

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

سیره فرہنگی - ارتباطی امیرالمؤمنین علی (علیہ السلام)

در دوران حکومت؛

در جستجوی مدل سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی

دکتر سیدمحمد کاظمی قہفرخی



انتشارات
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: سیره فرهنگی - ارتباطی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در دوران حکومت؛ در جستجوی مدل سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی

مؤلف: دکتر سیدمحمد کاظمی قهفرخی

ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام

صفحه‌آرا، ویراستار ادبی و طراح جلد (یونیفرم): محمد روشنی

نمایه‌ساز و ناظر نسخه‌پردازی و چاپ: رضا دیبا

چاپ و صحافی: مجتمع چاپ و صحافی برتر

چاپ اول: ۱۳۹۶

قیمت: ۱۰۵/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۵۷۰-۳

تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام

صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۶۵۰ • کد پستی: ۰۱۴۶۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲

E-mail: press@isu.ac.ir • www.ketabesadiq.ir فروشگاه اینترنتی

سرشناسه: کاظمی قهفرخی، سیدمحمد، ۱۳۶۵-

عنوان و نام پدیدآور: سیره فرهنگی - ارتباطی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در دوران حکومت؛ در جستجوی مدل سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی / تألیف سیدمحمد کاظمی قهفرخی.

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۲۰۰ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۵۷۰-۳

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق - سیاست و حکومت

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق. - دیدگاه درباره فرهنگ

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق. - دیدگاه درباره مردم (حقوق اساسی)

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق. - دیدگاه درباره عدالت اجتماعی

موضوع: فرهنگ سیاسی - جنبه‌های مذهبی - اسلام

موضوع: سیاست فرهنگی - ایران

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)

رده‌بندی کنگره: ۲ ۱۳۹۶ ک ۹ س ۲۸/۰۹ BP

رده‌بندی دیویی: ۳۹۷/۹۵۱

شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۶۲۹۵۵

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ،

فتوکی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌باشد.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۱۱
مقدمه.....	۱۳
فصل اول: آشنایی با سیاست‌گذاری فرهنگی.....	۱۹
۱-۱. تعریف خط‌مشی عمومی.....	۱۹
۲-۱. فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی.....	۲۰
۱-۲-۱. صورت‌بندی مسئله عمومی.....	۲۳
۲-۲-۱. دستورگذاری خط‌مشی عمومی.....	۲۷
۳-۲-۱. شکل‌گیری، تهیه و تدوین خط‌مشی.....	۲۸
۴-۲-۱. تصمیم‌گیری و مشروعیت بخشیدن به خط‌مشی.....	۳۰
۵-۲-۱. اجرای خط‌مشی عمومی.....	۳۳
۶-۲-۱. انتخاب ابزار اجرای خط‌مشی.....	۳۶
۷-۲-۱. ارزیابی خط‌مشی.....	۳۷
۳-۱. فرهنگ.....	۴۳
۱-۳-۱. تعریف فرهنگ.....	۴۱
۲-۳-۱. سیاست‌پذیری فرهنگ.....	۴۲
۱-۲-۳-۱. دیدگاه افلاطونی.....	۴۲
۲-۲-۳-۱. دیدگاه ارسطویی.....	۴۲
۳-۳-۱. تعریف فرهنگ و تأثیر آن بر خط‌مشی‌گذاری فرهنگی.....	۴۴
۴-۳-۱. الگوهای خط‌مشی‌گذاری فرهنگی.....	۴۶
۱-۴-۳-۱. الگوی آرمان‌گرایی.....	۴۶
۲-۴-۳-۱. الگوی سیاست فرهنگی سنتی (نخبه‌گرا).....	۴۷
۳-۴-۳-۱. الگوی توسعه‌گرا.....	۴۷

۴۷	۱-۳-۴-۴. الگوی تکثر و حقوق فرهنگی
۵۱	۱-۴. خط‌مشی‌گذاری فرهنگی
۵۱	۱-۴-۱. صورت‌بندی مسئله فرهنگی
۵۲	۱-۴-۲. دستورگذاری خط‌مشی فرهنگی
۵۲	۱-۴-۳. مرحله تهیه و تدوین خط‌مشی فرهنگی
۵۴	۱-۴-۴. تصمیم‌گیری در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی
۵۶	۱-۴-۵. اجرای خط‌مشی فرهنگی و ابزارهای آن
۵۸	۱-۴-۶. ارزیابی خط‌مشی‌گذاری
۶۰	۱-۵. نگاهی کوتاه به دوران حکومت علوی
۶۷	فصل دوم: فرهنگ سیاسی
۶۷	مقدمه
۷۰	۲-۱. خاص‌گرایی؛ مسئله عمومی فرهنگ سیاسی
۷۰	۲-۱-۱. قبیله‌گرایی
۷۱	۲-۱-۲. تغییر در نوع و معیارهای تعیین رهبر
۷۱	۲-۱-۲-۱. تغییر در معیارهای تعیین رهبر
۷۲	۲-۱-۲-۲. تغییر در نوع تعیین رهبر
۷۳	۲-۱-۳. توزیع نامناسب قدرت
۷۴	۲-۲. مردم‌داری به‌عنوان دستور کار
۷۴	۳-۲-۱. مردم‌داری در گفتمان علوی
۷۶	۲-۲-۲. مردم‌داری در سیره علوی
۷۷	۲-۲-۲-۱. بیعت همگانی
۷۷	۲-۲-۲-۲. حقوق‌مداری
۷۹	۲-۲-۳. عام‌گرایی به‌جای خاص‌گرایی
۸۰	۲-۲-۴. آزادی
۸۰	۲-۲-۴-۱. آزادی فردی
۸۱	۲-۲-۴-۲. آزادی در انتخاب
۸۲	۲-۲-۴-۳. آزادی عقیده
۸۲	۲-۲-۴-۴. آزادی انتقاد و توجه به نظارت همگانی
۸۵	۲-۲-۵. میزان دسترسی مردم به دولتمردان
۸۵	۲-۲-۵-۱. ارتباط دوسویه بین مردم و دولت
۸۶	۲-۲-۵-۲. رسانه‌ها و توجه به افکار عمومی

۸۸ شیوه و نظام اعتراضات اجتماعی . ۶-۲-۲-۲
۸۸ اصل سعه صدر. ۱-۶-۲-۲-۲
۸۹ استدلال و احتجاج . ۲-۶-۲-۲-۲
۹۰ رفق و مدارا . ۳-۶-۲-۲-۲
۹۰ اتمام حجت . ۴-۶-۲-۲-۲
۹۰ عفو و بخشش . ۵-۶-۲-۲-۲
۹۱ برخورد با خرابکاران و مجرمان . ۶-۶-۲-۲-۲
۹۱ ۳-۲. مشروعیت بخشی به سیاست مردم داری
۹۱ ۱-۳-۲. سخنرانی های عمومی
۹۲ ۲-۳-۲. ابلاغ به سازمان های عمومی
۹۲ ۱-۲-۳-۲. نهاد خلافت
۹۲ ۲-۲-۳-۲. نهاد بیت المال
۹۳ ۴-۲. اجرای سیاست مردم داری
۹۳ ۱-۴-۲. سیاست های دولت محور.
۹۳ ۱-۱-۴-۲. تغییر معیارهای تعیین رهبر.
۹۴ ۲-۱-۴-۲. نظارت بر کارگزاران
۹۵ ۱-۲-۱-۴-۲. تغییر کارگزاران
۹۵ ۲-۲-۱-۴-۲. تشکیل نظام اطلاعاتی
۹۵ ۳-۲-۱-۴-۲. توییح کارگزاران
۹۶ ۴-۲-۱-۴-۲. تأمین نیازهای اقتصادی کارگزاران
۹۶ ۳-۱-۴-۲. قانون گرای
۹۹ ۲-۴-۲. سیاست های مردم محور
۹۹ ۱-۲-۴-۲. اتحاد
۱۰۱ ۲-۲-۴-۲. حق گرای به جای شخصیت گرای
۱۰۱ ۳-۲-۴-۲. حسن ظن به مردم
۱۰۱ ۱-۳-۲-۴-۲. پرهیز از عیب جویی از مردم
۱۰۲ ۲-۳-۲-۴-۲. اصل برائت
۱۰۳ ۴-۲-۴-۲. توجه به تنوع و تکثر فرهنگی
۱۰۳ ۱-۴-۲-۴-۲. توجه به گروه های مذهبی
۱۰۳ ۲-۴-۲-۴-۲. توجه به سنت های پسندیده
۱۰۴ ۵-۲. ارزیابی

۱۰۶ خودارزیابی	۲-۵-۱
۱۰۷ ارزیابی تاریخی	۲-۵-۲
۱۰۷ جنگ جمل	۲-۵-۱
۱۰۸ جنگ نهروان	۲-۵-۲
۱۰۸ جنگ صفین	۲-۵-۳
۱۱۱ فصل سوم: فرهنگ اقتصادی	
۱۱۱ مقدمه	
۱۱۵ ۱-۳. دنیاطلبی و رفاه‌طلبی؛ مسئله عمومی فرهنگ اقتصادی	
۱۱۵ ۳-۱-۱. عوامل	
۱۱۵ ۳-۱-۱-۱. فتوحات	
۱۱۶ ۳-۱-۱-۲. سیاست جدید تقسیم سرانه بیت‌المال	
۱۱۷ ۳-۱-۲. تأثیرات	
۱۱۷ ۳-۱-۲-۱. تأثیرات خرد سیاست مالی بر فرهنگ	
۱۱۸ ۳-۱-۲-۲. تأثیرات کلان سیاست مالی بر فرهنگ	
۱۱۸ ۳-۱-۲-۱. تغییر در پیش‌رفتار جامعه	
۱۲۰ ۳-۱-۲-۲. تشکیل هسته‌های اقتصادی مؤثر بر فرهنگ	
۱۲۱ ۳-۲. عدالت به‌عنوان دستور کار	
۱۲۳ ۳-۲-۱. مبانی عدالت علوی	
۱۲۴ ۳-۲-۲. سیاست عدالت	
۱۲۶ ۳-۳. مشروعیت‌بخشی به سیاست عدالت	
۱۲۶ ۳-۳-۱. ارجاع به منابع دینی	
۱۲۶ ۳-۳-۲. سخنرانی‌های عمومی	
۱۲۹ ۳-۳-۳. ابلاغ به سازمان‌های عمومی	
۱۳۱ ۳-۴. اجرای سیاست عدالت	
۱۳۱ ۳-۴-۱. تغییر رویکرد در سطح بینش اقتصادی	
۱۳۲ ۳-۴-۲. تغییر رویکرد در سطح کنش اقتصادی	
۱۳۳ ۳-۴-۱. سیاست‌های بازتوزیعی	
۱۳۳ ۳-۴-۱-۱. تقسیم مساوی بیت‌المال	
۱۳۴ ۳-۴-۱-۲. استرداد اموال	
۱۳۴ ۳-۴-۱-۳. عدم ذخیره‌سازی بیت‌المال	
۱۳۵ ۳-۴-۲. سیاست‌های کنترلی و نظارتی	

۱۳۵ نظارت بر بازار. ۱-۲-۲-۴-۳
۱۳۶ احتیاط در هزینه کردن بیت‌المال. ۲-۲-۲-۴-۳
۱۳۷ عدم استنثار. ۳-۲-۲-۴-۳
۱۳۸ سیاست‌های توزیعی. ۳-۲-۴-۳
۱۳۸ حمایت از طبقه‌های پایین. ۱-۳-۲-۴-۳
۱۳۸ بهبود زندگی و آبادانی شهر. ۲-۳-۲-۴-۳
۱۳۹ حمایت از تولید و تجارت. ۳-۳-۲-۴-۳
۱۴۰ ارزیابی سیاست عدالت. ۵-۳
۱۴۰ خودارزیابی. ۱-۵-۳
۱۴۱ ارزیابی تاریخی. ۲-۵-۳
۱۴۳ فصل چهارم: فرهنگ دینی.
۱۴۳ مقدمه: دین و فرهنگ.
۱۴۹ ۱-۴. ظاهر بینی و قشری‌گرایی؛ مسئله عمومی فرهنگ دینی.
۱۴۹ ۱-۱-۴. اجتهاد به رأی و مصلحت‌گرایی.
۱۵۰ ۲-۱-۴. رواج اندیشه‌های وارداتی.
۱۵۲ ۲-۴. تربیت دینی به‌عنوان دستور کار.
۱۵۲ ۱-۲-۴. هستی‌شناسی.
۱۵۳ ۲-۲-۴. انسان‌شناسی.
۱۵۳ ۱-۲-۲-۴. نگاه به ذات انسان.
۱۵۵ ۲-۲-۲-۴. نگاه اجتماعی به انسان.
۱۵۷ ۳-۴. مشروعیت‌بخشی به سیاست تربیت دینی.
۱۵۷ ۴-۴. اجرای سیاست تربیت دینی.
۱۵۷ ۱-۴-۴. اصول حاکم بر نظام تربیت دینی.
۱۵۹ ۲-۴-۴. عملکرد.
۱۵۹ ۱-۲-۴-۴. تدوین احادیث و مقابله با قصه‌پردازی.
۱۵۹ ۲-۲-۴-۴. تربیت همگانی.
۱۶۰ ۳-۲-۴-۴. تربیت نخبگان و عالمان دینی.
۱۶۰ ۴-۲-۴-۴. تشویق به علم‌آموزی.
۱۶۱ ۵-۲-۴-۴. اهمیت دادن به منابع دینی.
۱۶۱ ۱-۵-۲-۴-۴. توجه به اشاعه و قرائت قرآن.
۱۶۱ ۲-۵-۲-۴-۴. حساسیت نسبت به تفسیر و برداشت از قرآن.

۱۶۲ ۴-۲-۵-۳. توجه به احیاء سنت پیامبر
۱۶۳ ۴-۲-۵-۴. احیاء احکام اسلامی
۱۶۵ ۴-۲-۶. مخالفت با خرافه پرستی
۱۶۶ ۴-۲-۷. نفی فرهنگ چاپلوسی و توصیه به امر به معروف و نهی از منکر
۱۶۷ ۴-۵. ارزیابی سیاست تربیت دینی
۱۶۷ ۴-۵-۱. خودارزیابی
۱۶۸ ۴-۵-۲. ارزیابی تاریخی
۱۷۱ فصل پنجم: ارزیابی و نتیجه گیری
۱۷۱ ۵-۱. ارزیابی
۱۷۳ ۵-۲. نتیجه گیری
۱۷۴ ۵-۲-۱. سیاست گذاری فرهنگ سیاسی
۱۷۶ ۵-۲-۲. سیاست گذاری فرهنگ اقتصادی
۱۷۹ ۵-۲-۳. سیاست گذاری فرهنگ دینی
۱۸۳ منابع
۱۹۱ نمایه

فهرست جداول و نمودارها

۲۳ نمودار ۱-۱: چرخه خط مشی گذاری
۲۶ نمودار ۲-۱: عوامل دخیل در نظام سیاست گذاری
۳۷ نمودار ۳-۱: ابزارهای دخیل در اجرای خط مشی گذاری
۴۰ جدول ۱-۱: شاخص های ارزیابی بلندمدت و کوتاه مدت
۴۹ جدول ۲-۱: مقایسه تطبیقی چهار الگوی اصلی سیاست گذاری فرهنگی
۵۸ جدول ۳-۱: مسائل و مباحث موجود در خط مشی گذاری فرهنگی
۶۰ جدول ۴-۱: صورت بندی مسائل سیاست گذاری در حکومت علوی
۱۲۷ جدول ۱-۳: عدالت در گفتمان علوی
۱۶۴ جدول ۱-۴: احیاء احکام اسلامی در حکومت علوی
۱۷۳ نمودار ۱-۵: ساختار کلان سیاست گذاری امام علی (علیه السلام) در زمان خلافت
۱۷۶ نمودار ۲-۵: سیاست گذاری فرهنگ سیاسی
۱۷۹ نمودار ۳-۵: سیاست گذاری فرهنگ اقتصادی
۱۸۱ نمودار ۴-۵: سیاست گذاری فرهنگ دینی

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) که از سوی ریاست فقید دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی‌ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی — پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آن‌ها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق (علیه السلام) را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت (ان شاء الله).

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

مقدمه

آنچه که می‌تواند یک اثر علمی را در نگاه کارشناسان و محققان یک حوزه، نوآورانه جلوه دهد زاویه دید به یک موضوع از منظر مبنایی، نظری، رویکردی و روشی است. از این رو اگر موضوعاتی هر چند به صورت متعدد و گوناگون، در دوره‌های متفاوت مورد بحث قرار گرفته باشند، اما با بازخوانی آن‌ها از زاویه دید جدید از مناظر گوناگون، می‌توان نتایج جدیدی را به ارمغان آورد. یکی از سبک‌هایی که باعث نوآوری می‌شود، نگاه بین و میان‌رشته‌ای است که تلاش دارد با تبادل رویکردهای مختص هر رشته، باعث ایجاد نگاه چندبعدی به موضوعات مختلف شود و لایه‌های پنهانی و در نظر نگرفته شده را مورد هدف یک پژوهش قرار دهد. هنگامی اهمیت نگاه بین‌رشته‌ای بیشتر مشخص می‌شود که با وجود مبانی علوم انسانی غنی، این توانایی به وجود می‌آید که آن‌ها را از مهجوریت خارج کنیم و به صورتی کاربردی، با توجه به مقتضیات کنونی به آن‌ها جامه عمل بپوشانیم.

اثر علمی روبه‌رو، با تأسی به این نگاه، تلاش دارد از زاویه دید رشته سیاست‌گذاری با موضوعیت فرهنگی، به دوره تاریخی حکومت علوی نگاه کند تا بتواند با دسته‌بندی جدید بر اساس مدل چرخه خط‌مشی‌گذاری، الگویی برای این منظور ارائه دهد. البته باید بر این نکته بیان شده، تأکید نمود که در تلاش‌های بین‌رشته‌ای لزوماً هدف احصاء مبانی و نظریه جدید

نمی‌باشد و تحقیق می‌تواند با وجود مطالعات پیشین گسترده در یک موضوع بر اساس یک نگاه علمی، تنها به یک دسته‌بندی جدید دست یابد.

فرهنگ به‌عنوان زیست محیط اجتماعی مؤثر بر سایر حوزه‌های جامعه، یکی از حوزه‌های اساسی سیاست‌گذاری می‌باشد که توجه به آن رو به گسترش است. کشورها و دولت - ملت‌های مختلف، چه بر اساس الگوهای توسعه‌ای مورد قبول جامعه جهانی و چه بر اساس الگوهای محلی و بومی، همواره در خط‌مشی‌گذاری‌های خود فرهنگ را در مرکز توجه خود قرار می‌دهند. در این میان، بی‌شک جامعه‌ای می‌تواند موفق باشد که ارزش‌های بنیادین و باورهای جامعه خود را نقطه آغاز قرار دهد. نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظامی متکی بر دین مبین اسلام نیز در این چارچوب قابل تحلیل است. بدین معنا که آموزه‌ها و باورهای دینی می‌بایست مبدأ خط‌مشی‌گذاری‌ها قرار گیرد. این آموزه‌ها در کتاب و سنت ابعاد مختلفی پیدا می‌کند. بر اساس نگاه کل‌نگر به دین - که معتقد به جاری و ساری بودن دین در تمامی حوزه‌ها از جمله سیاست و حکومت‌داری است - دین اسلام، باورهای بنیادین خط‌مشی‌گذاری را فراهم می‌کند.

از این رو در این کتاب با در نظر گرفتن حکومت علوی به‌عنوان یکی از منابع سنت و نیز تنها دوران حکمرانی یکی از امامان شیعه، به بررسی رابطه این حکومت با فرهنگ، می‌پردازیم. کتاب پیش‌رو با مبنا قرار دادن مراحل مدل فرایندی خط‌مشی‌گذاری، سعی دارد با تحلیل سیاستی از نقش این دولت در فرهنگ، مدل سیاست‌گذاری آن را احصاء نماید. بنابراین می‌توان گفت سؤال اصلی این کتاب آن است که «الگوی خط‌مشی‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی و ارتباطی در حکومت علوی دارای چه سیاست‌ها، راهبردها و برنامه‌هایی بوده است؟».

دولت‌ها با تعاریف کلان و بخشی از فرهنگ، هر کدام نوعی از وظایف و حیطه‌ای از مداخله را در این عرصه برای خود مشخص نموده‌اند. برخی از دولت‌ها با تعریف فرهنگ به‌عنوان هنر و میراث فرهنگی، سیاست‌ها را

معطوف به گسترش بخش‌های مذکور می‌نمایند. اما در نگاه کلان، فرهنگ مجموعه‌ای از ویژگی‌های متمایز معنوی، مادی، فکری و احساسی در جامعه و در میان گروه‌های اجتماعی است که در هنر و ادبیات، شیوه‌های زندگی فردی و اجتماعی، نظام ارزشی، سنت‌ها و باورها متجلی می‌شود. در این نگاه حیطه موضوعی و انسانی فرهنگ چنان گسترده می‌شود که تمام حوزه‌های دیگر ذیل آن تعریف می‌شوند و سیاست‌گذاری فرهنگی را مستلزم بررسی جایگاه و نقش آن حوزه‌ها در این امر می‌کند.

نگارنده، با در نظر گرفتن تعریف کلان فرهنگ، از آنجا که مسئله‌شناسی مرحله اول خط‌مشی‌گذاری به‌عنوان یکی از مدل‌های پرکاربرد و پذیرفته‌شده سیاست‌گذاری می‌باشد، با بررسی تاریخی حکومت علوی و حکومت خلفای پیشین آن تلاش نموده تا مسائل این دوره زمانی را احصاء نماید و بدون هیچ پیش‌فرضی آن‌ها را دسته‌بندی نماید. خاص‌گرایی، رفاه‌طلبی و دنیازدگی و ظاهرینی و قشری‌گرایی دسته‌بندی‌های مذکور هستند که با تسامح و تساهلی که در هر صورت‌بندی مسائل وجود دارد، ذیل سه حوزه فرهنگ سیاسی، فرهنگ اقتصادی و فرهنگ دینی تعریف شده‌اند.

با روشن شدن مسائل و حوزه‌های مرتبط با آن، سیاست‌های کلی در پیش گرفته شده در سیره و کلام رئیس دولت علوی در تقابل با این مسائل مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد مردم‌داری، عدالت و تربیت در رأس امور سیاستی دولت مورد نظر قرار دارد. نگارنده پس از مشخص شدن سیاست‌های کلی، تلاش نمود نحوه اجرای این سیاست‌ها را در دولت علوی مورد مطالعه قرار دهد و برای این منظور مراحل اجرا، مشروعیت‌بخشی و ارزیابی را در چرخه خط‌مشی‌گذاری پیگیری نماید.

«مردم‌داری» به‌عنوان سیاست کلی در تقابل با مسئله خاص‌گرایی در حوزه فرهنگ سیاسی، شامل دو بخش سیاست‌های دولت‌محور و مردم‌محور است و در دولت علوی به نهادهای بیت‌المال و خلافت ابلاغ می‌گردد. سیاست‌های مردم‌محور شامل مواردی همچون ایجاد اتحاد، حسن ظن به

مردم، مبارزه با شخصیت‌گرایی و ترویج حق‌گرایی و نیز توجه به تکثر فرهنگی در جامعه می‌باشند و فاکتورهای اصلی سیاست‌های دولت‌محور، تغییر معیارهای رهبر جامعه و ترویج شایسته‌سالاری، قانون‌گرایی، تغییر کارگزاران دولت قبل و نظارت بر آن‌ها هستند. اگر سیاست «مردمداری»، از دو منظر خودارزیابی و ارزیابی‌های تاریخی مورد بررسی قرار گیرد، باید بیان داشت: این سیاست باعث شد مردم چنان در تصمیم‌گیری‌ها مستقل باشند که دولت خود را در بدترین شرایط رها کنند و از سوی دیگر در ارزیابی تاریخی، آزادی بیان گروه‌های مخالفی همچون خوارج و اعمال نظرشان بر دولت علوی قابل مشاهده است. از طرف دیگر گفتمان شایسته‌سالاری و امانت بودن قدرت در حکومت علوی عاملی گردید، تا دولت علوی از به قدرت رسیدن عمال دولت قبلی جلوگیری کرده و با ابقاء قدرت‌طلبان مخالفت نماید و جنگ‌های صفین و جمل بر این دولت تحمیل شود.

برای اجرای سیاست کلان عدالت در تقابل با مسئله رفاه‌طلبی و دنیازدگی در حوزه فرهنگ اقتصادی، دولت علوی در دو سطح بینش و کنش اقتصادی آن را پیگیری نمود. در سطح بینش اقتصادی، با بازتعریف رابطه انسان با دنیا، با مفاهیمی همچون زهد، قناعت، آزمایش بودن ثروت، گذرا بودن دنیا، آخرت‌گرایی تلاش شد تا نگاه مردم به ثروت تغییر کند. در سطح کنش سه سیاست بازتوزیع، توزیع و نظارت بر گردش ثروت در اجتماع پیش گرفته شد. دولت علوی در سیاست بازتوزیع، به جمع‌آوری بیت‌المال موجود در جامعه، ثروت‌های به تاراج رفته و توزیع مجدد آن به صورت مساوی در جامعه مبادرت ورزید و با ممانعت از انباشت ثروت در دولت، با تغییر رویه در تقسیم بیت‌المال، ثروت را سریعاً در بین مردم توزیع می‌کرد. در سیاست توزیع، تقسیم ثروت در بین محرومین و فقیران در جهت ریشه‌کن کردن فقر در جامعه مورد توجه قرار گرفت و با آباد شدن شهرها و حمایت از تولید و تجارت گام‌های دیگری به سوی عدالت اقتصادی برداشته شد. رئیس دولت علوی در سیاست کنترلی خود با نظارت بر بازار، احتیاط

در مصرف بیت‌المال و ممانعت از انحصارطلبی، از ایجاد عدم توازن ثروت در جامعه جلوگیری نمودند. سیاست عدالت، فقر را در کوفه از بین برد، اما از سوی دیگر باعث شد تا برخی از افراد فرار کرده و به لشکر دشمنان دولت علوی بپیوندند. از لحاظ تاریخی تأثیر این سیاست آن بود که کارگزاران دولت‌های قبل و بعضی از اصحاب پیامبر که به نظام تبعیض‌آمیز اقتصادی عادت کرده بودند، نظام جدید مالی را نپذیرند و جنگ‌های جمل و صفین را بر آن حضرت تحمیل نمایند.

سیاست تربیت دینی دولت علوی که در تقابل با مسئله ظاهربینی و قشری‌گرایی در حوزه فرهنگ دینی پیش گرفته شد، دارای دو بخش عمده بود. یکی از قسمت‌های مهم آن اصول حاکم بر این سیاست است. اصول اعتدال، تفکر، تعقل، تدبر و آخرت‌گرایی بر برنامه تربیتی این دولت حاکم بود. با در نظر گرفتن این اصول، اقداماتی در جهت تربیت جامعه انجام گرفت که اهمیت دادن به منابع دین، تدوین احادیث پیامبر، آموزش همگانی، تربیت یاران خاص و تشویق به علم‌آموزی، مهم‌ترین برنامه‌ها در این جهت به حساب می‌آید. خود ارزیابی دولت علوی از این سیاست آن بود که با وجود آنکه سنت پیامبر به مردم یادآوری شد، اما مردم تأثیر نپذیرفتند که یکی از مصادیق عدم کارایی این سیاست از لحاظ تاریخی شکل‌گیری خوارج و جنگ نهروان در زمان خلافت امیرالمؤمنین بود.

اگر بخواهیم سیاست فرهنگی دولت علوی را صورت‌بندی کنیم می‌توانیم بگوییم که این سیاست با در نظر گرفتن حوزه‌های سیاست، اقتصاد و دین ذیل سیاست کلی فرهنگ آن را به‌طور شبکه‌ای با هم مرتبط می‌داند و برای هر کدام سیاست‌های کلی و جزئی در نظر گرفته است که به‌طور پیوسته و هم‌زمان باید انجام گیرند تا بتواند در جامعه تأثیرگذار باشند. یک دولت اگر چه در کوتاه‌مدت با اعمال سیاست‌های مذکور در ظاهر شکست می‌خورد ولی می‌تواند در بلندمدت الگو و جریان‌ساز باشد و همچون دولت علوی جریان تشیع را نهادینه نماید. برای مطالعه بیشتر جزئیات سیاست

فرهنگی دولت علوی، دعوت می‌کنم تا خوانندگان کتاب پیش رو را به‌طور کامل بخوانند تا بتوانند تصویر دقیق‌تری از مطالب در ذهن خود پیدا کنند. در پایان لازم می‌دانم از اساتید عزیز و بزرگوارم جناب آقایان دکتر حسام‌الدین آشنا و استاد دلشاد تهرانی که در نگارش این کتاب نگارنده را هدایت نمودند و از جانب آقای علیرضا قصری که بنده را در نگارش کتاب مساعدت کردند، تشکر نمایم.

فصل اول

آشنایی با سیاست‌گذاری فرهنگی

تحقیق خط‌مشی، یک حوزه مطالعاتی میان‌رشته‌ای است که با تکیه بر چرخه خط‌مشی‌گذاری عمومی در مرحله نخست به تبیین و توضیح سیاست‌های اتخاذ شده نسبت به مسائل و مشکلات موجود پرداخته و میزان موفقیت آن در برآوردن اهداف مورد نظر را مورد مطالعه قرار می‌دهد. در این بخش، پس از تعریف خط‌مشی‌گذاری عمومی و چرخه بنیادین آن، خط‌مشی فرهنگی محور تمرکز قرار خواهد گرفت.

۱-۱. تعریف خط‌مشی عمومی

مروری بر تعاریف و استعاره‌های مطرح‌شده در زمینه خط‌مشی عمومی این کمک را خواهد داشت تا با شناخت مجموعه‌ای از این اصطلاحات به یک شناخت جامعی از این حوزه دست یافت. در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد:

۱. خط‌مشی عمومی به مثابه اقدامات هدفدار: خط‌مشی عمومی عبارت است از یک سلسله اقدامات هدفدار که به وسیله یک فرد یا گروهی از افراد که قدرت و مشروعیت خط‌مشی‌گذاری را دارا باشند، برای مقابله و رفع یک مشکل عمومی شکل می‌گیرد.

۲. خط‌مشی عمومی به مثابه الگو و راهنما: خط‌مشی عمومی اصولی هستند که به وسیله مراجع ذی‌صلاح در کشور وضع شده‌اند و به‌عنوان یک

الگو و راهنما، اقدامات و فعالیت‌های لازم در جامعه را راهبری می‌کند.
۳. خط‌مشی عمومی به مثابه بایدها و نبایدها: خط‌مشی مشخص‌کننده بایدها و نبایدها در جامعه و سازمان‌هاست و معین می‌کند که چه فعالیت‌ها و اقداماتی در بخش عمومی باید انجام پذیرد و چه اقداماتی نباید انجام گیرد. خط‌مشی عمومی بیانگر فرهنگ، نظام اقتصادی و اولویت‌های مورد قبول جامعه است.

۴. خط‌مشی عمومی به مثابه خواسته‌های عمومی: خط‌مشی تبلور خواسته‌ها و انتظارات بخش عمومی است که در فرایند تصمیم‌گیری عمومی در قالب قوانین و مقررات تجلی می‌کنند (الوانی، ۱۳۸۵: ۲۰-۲۲).

۵. خط‌مشی عمومی به مثابه اراده ساختارهای دولتی و حکومتی: به تعریف فیلیپ پیرو، تجلی خط‌مشی‌ها، اراده حکومت در عمل (یا خودداری از عمل) می‌باشند و آن‌ها را می‌توان به‌عنوان مجموعه‌هایی ساختاری و مرتبط متشکل از مقاصد، تصمیمات و اعمال که قابل نسبت به اقتدار عمومی در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی هستند، در نظر گرفت (وحید، ۱۳۸۳: ۱۶).

با تحلیل این تعاریف، خط‌مشی عمومی از این منظر که به دلیل تأثیرات گسترده و عمومی‌شان وارد فرایند تصمیم‌گیری می‌شوند، دارای یک وجه عمومی هستند (گیوریان و ربیعی، ۱۳۸۴: ۱۷). و از طرف دیگر به دلیل آن که مؤثرترین بازیگر در تصمیم‌سازی در این حوزه دولت‌ها و حکومت‌ها هستند، یک امری دولتی و حاکمیتی به حساب می‌آیند. باید به این نکته اشاره کرد که وجه مشترک این تعارف مسائل عمومی است. در سیاست‌گذاری عمومی، تحلیل مسائل و فرایند خط‌مشی‌گذاری دارای رویکردهای مختلف است که می‌تواند تعریف‌های متفاوتی از مسائل و فرایندهای خط‌مشی‌گذاری داشته باشد که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۲. فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی

واین پارسونز (۱۳۸۵)، رویکردهای اصلی در فرایند خط‌مشی‌گذاری را به